

یادی از فراموش شدگان: اینبار: مسعود چم آسمانی

اصغر نصرتی (چهره)



در یک نوشته مبهم از مرگ مسعود چم آسمانی آگاه شدم. چون از مرگش بی خبر بودم و بدین شکل آگاه می‌شدم، سخت برآشفتم. پس با تجاهل مرگش را نپذیرفتم اگر چه که میدانستم سخت بیمار است و عملن مدتهاست زمین گیر که هیچ، بلکه عمدتا در وضعیت درازکش بسر می برد.

برای آنکه از شوک اولیه به یقین ثانویه برسم، از دوستان تاتری و همکاران دیروز او که در همان شهر یا حوالی آن هستند، پرسان حال و روز او شدم! در اصل به غفلت خود از این مرد تا

این حد باور نداشتم. مگر می‌شود این مرد با زندگی وداع گفته باشد و من و امثال من یا همکاران تاتری او در امریکا یک کلمه نشنیده، نگفته یا ننوشته باشیم؟ تنها باید از طریق یادداشت مبهم یک خانم یا یادداشت کوتاه غلامرضا نصراللهی آن هم با تاخیری بسیار با خبر شویم! غافل از اینکه محمد سهمی هم پیش از این، دقیقا دو روز پس از مرگ او در فیسبوک خودش خبر داده بود. اما هیچکدام از این هنرمندان و همکاران در همان شهر مسعود چم آسمانی از مرگ او خبر ندارند. حتی خبر ندارند که او زنده است یا خیر! یعنی خانواده تاتری هیچ؟ پوچ؟ همکار و غربت و تبعید ... همه شعاری بیش نیست!

۱۴ آگوست ۲۰۱۵ در فیسبوک به مسعود چم آسمانی تقاضای دوستی دادم و او هم به آنی پذیرفت. دوستی با فاصله چند هزار کیلومتری ما آنهم در دنیای مجازی شروع شد و طبق عادت پرسش و جستجوی من در باره فعالیت‌های تاتر او آغاز گشت. وقتی تماس‌های ما شکل تصویری گرفت، واقف شدم که به سختی امکان تحرک دارد و سخت بیمار است. با اینهمه وی هرچه از تاتر برونمرزی در چنته داشت، برایم فرستاد. من بخشی از ماحصل دریافتی‌های خود از او را در ۱۲ جولای ۲۰۲۰ در سری نوشته‌هایم در باره روزشمار «آرشیو تاتر برونمرزی ایرانیان» منعکس کردم. ۱

اما به راستی مسعود چم آسمانی که بود و در تاتر ایرانی و در دوران برونمرزی آن، چه کرد؟ چم آسمانی متولد بهمن ماه ۱۳۲۲ برابر با ژانویه ۱۹۴۴ از شهر اصفهان بود. در چهارم دبیرستان حدود ۱۹۵۲ میلادی، به کمک پدرخانم ارحام صدر معروف، به تاتر رادیویی اصفهان راه باز می‌کند. پس از دریافت دیپلم دبیرستان، در سال ۱۳۴۴ خورشیدی برابر با ۱۹۶۵ میلادی در نخستین دوره دانشکده هنرهای زیبا پذیرفته می‌شود و از همانجا با حمید سمندریان و به قول خودش شمس تبریزی او در تاتر، آشنا می‌شود و تا آخر عمرش به او وفادار می‌ماند. وی در چهار نمایش سمندریان (هرکول و طویه‌های اوجیاس ۱۳۴۴/۱۹۶۶، آندورا ۱۳۴۶/۱۹۶۸، ملاقات بانوی سالخورده ۱۳۵۱/۱۹۷۳ و کرگدن ۱۳۵۱/۱۹۷۳) بازی می‌کند. شگفت اینکه در زندگی نامه حمید سمندریان هرگز نامی از ایشان در فهرست

بازیگران نیامده است.^۲ چرا؟ معلوم نیست؛ وی همچنین در سال ۱۳۴۶/۱۹۶۸ نمایش «چوب زیر بغل» به کارگردانی بهمن فرسی را نیز بازی می‌کند.



در پی لیسانس در رشته بازیگری راهی خدمت سربازی می‌شود و وقتی دوباره به تهران باز می‌گردد، در تلویزیون ملی ایران به عنوان تهیه‌کننده استخدام می‌شود. از قبل این شغل در تهیه اجرای تلویزیونی چند نمایش از جمله سه نمایش «غروب روزهای آخر پائیز» ۱۳۴۲/۱۹۶۴، «نگاهی از پل» ۱۳۴۸/۱۹۷۰ و «بازی استریندبرگ» ۱۳۵۱/۱۹۷۳ به کارگردانی حمید سمندریان نقش دارد.

در پی انقلاب، به احتمال قوی شهریور ۱۳۵۸، ایران را به قصد آمریکا ترک می‌کند. در آمریکا نخست به تحصیل در همان رشته بازیگری می‌پردازد و انگار حتی در کلاس‌های استلا آدلر معروف هم شرکت داشته و پس از مدتی حداقل تا سال ۲۰۰۸ به تدریس تاتر در کالج‌های مختلف آمریکا مشغول بوده است.

مسعود چم آسمانی از نخستین بازیگران نمایش تبعیدی در آمریکا محسوب می‌شود. «محاكمه ایرج میرزا» نوشته صدرالدین الهی و به کارگردانی منصور پورمند در سال ۱۹۸۰ نخستین حضور صحنه‌ای اوست. در پی این نمایش وی در «چشم در برابر چشم» (۱۹۸۲) به کارگردانی کامران نوزاد بازی می‌کند. او همچنین نمایش «طیب اجباری» به کارگردانی پری صابری را

هم از جمله کارهای خود می‌داند. اگرچه آرشیو ما برای اجرای این نمایش مدرکی در دست ندارد. در همین سال‌های حضور صحنه‌ای، چم آسمانی چندین سریال تلویزیونی، از جمله «امیر ارسلان» ۱۹۸۳ و «مسافر زمان» ۱۹۸۶/۱۹۸۷، هم بازی کرده است. آخرین کار صحنه‌ای مسعود چم آسمانی «آن سفرکرده» (۱۹۸۹) به کارگردانی رضا ژیان است. به قول خودش از این پس به علت گرایش تاتر "لس آنجلس" به سمتی که او را خوش نبود، تاتر ایرانی را رها می‌کند.

سال ۲۰۰۳ به علت مرگ پدرش یک مسافرت کوتاه به ایران دارد و در این فرصت هم همواره سعی داشته نزد مراد خویش، حمید سمندریان، باشد.

اگرچه سال‌ها بود که چم آسمانی به نحوی از پا افتاده بود و با یک بیماری سخت دست و پنجه نرم می‌کرد، اما امید به زندگی را از دست نداده بود و در فیسبوک خود مدام از زیبایی زندگی می‌نوشت و سعی داشت در گفتگوهای رسمی و غیر رسمی شرکت داشته باشد. علاوه

بر گفتگوهای چند باره‌اش با نگارنده، وی همچنین در ۲۲ مه ۲۰۱۲ یک مصاحبه با مجید بهشتی انجام می‌دهد که اندکی از زندگی هنری او در آنجا منعکس است. همچنین ۱۳ اکتبر ۲۰۱۹ تلویزیون بوستون (جلیل مرتضوی) با او گفتگویی ترتیب می‌دهد. که البته چندان ارتباط مستقیم با فعالیت‌های تاتری خود او ندارد. ۴

خوشبختانه از چم آسمانی علاوه بر نمایش‌ها و سریال‌ها و گفتگوهای نام برده، یک فیلم مستند نیز موجود است که کارگردانی آن را علی شهریار به عهده داشته است و در تاریخ دوم جولای ۲۰۱۹ از آن رونمایی شد. متأسفانه نگارنده از محتوای آن بی‌خبرم و امیدوارم روزی آن را بر «آرشیو تاتر برونمرزی ایرانیان» بیفرایم.

مسعود چم آسمانی در ۲۴ یونی ۲۰۲۵ در فیسبوک خود از برآمدگی بسیار زیاد شکمش می‌نویسد و به‌طت‌زخود را باردار می‌داند. اما در چهارم جولای

۲۰۲۵ به دلیل ناراحتی بینایی از فیسبوک خداحافظی می‌کند.

۱۷ ماه سپتامبر ۲۰۲۵ پسرش در فیسبوک مرگ پدرش را خبر می‌دهد و دو روز بعد محمد سهامی دوست چم آسمانی با تأیید این خبر تاریخ مرگ او را ندقیق شده بیان می‌کند. سر آخر غلامرضا نصراللهی در تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶ به مناسبت مرگ چم آسمانی با درج مصاحبه‌اش با مجید بهشتی، یادی از او می‌کند. و دیگر هیچ!

پایان یک زندگی، پایان یک انسان نیست. زیرا تاثیر اجتماعی آدمی ماندگاری او را میسر می‌سازد. حضور انسان در عرصه‌های مختلف اجتماعی از فرهنگی و هنری تا علمی...



اکنون مسعود چم آسمانی در میان ما نیست و جای تاسف است. اما تاسف‌بارتر آنکه بسیاری از همکاران تاتری او تا امروز حتی از مرگش بی‌خبرند! یادش گرامی و نامش در تاتر برونمرزی ایرانیان ماندگار.
اصغر نصرتی (چهره)
۲۷ جولای ۲۰۲۶



- (۱) <https://chehreh.org/> آرشیو-تاتر-برونمرزی-
(۲) https://fa.wikipedia.org/wiki/حمید_سمندریان.
(۳) <https://filmoohonar.blogspot.com/2012/05/5000.html?m=1>
(39) نگاهی کوتاه به تاریخ سینما و تئاتر از دیروز تا امروز YouTube

(۴)